

## درباره مجلس خبرگان رهبری

### (اطلاعیه شماره ۲)

با پایان یافتن مهلت ثبت نام نامزدهای نمایندگی مجلس خبرگان رهبری، بار دیگر حاکمیت مورد آزمایش قرار می‌گیرد. انتخابات این دوره به رغم تحلیل‌های توجیه‌گرانه‌ای که آن را بی‌تأثیر در تحولات بنیادی جامعه قلمداد می‌کند، می‌تواند نقش سرنوشت‌سازی در حیات سیاسی-اجتماعی کشور ایفا نماید و به این دلیل، احساس تعهد و وظیفه در برابر چگونگی برگزاری آن حائز اهمیت است.

نهضت آزادی ایران، در نشریه تحلیلی مورخ مرداد ماه ۱۳۷۷ خود، تغییراتی را که در سال ۱۳۶۸ نسبت به قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ با حذف یا افزایش برخی مواد در راستای تحکیم قدرت و تثبیت سلطه سیاسی بخشی از حاکمیت صورت گرفته بود، مورد بحث و بررسی قرار داد و اینک با نزدیک شدن روز انتخابات و در ادامه روند روشنگری، به تبیین نکاتی دیگر درباره این موضوع اقدام می‌نماید.

۱- دومین دوره مجلس خبرگان رهبری در حالی به پایان می‌رسد که پس از گذشت هشت سال از آغاز کار آن و با وجود تصمیمات عمده و تغییرات مهمی که در قانون اساسی پدید آمده است، هیچ گزارشی از کم و کیف برگزاری جلسات، متن مذاکرات و مصوبات مجلس به مردم ارائه نشده است تا ملت ایران بتواند با اطلاع از عملکرد اعضای آن، درباره انتخاب یا عدم انتخاب هر یک از آنان آگاهانه تصمیم بگیرد.

۲- مطابق اصل ۱۱۱ قانون اساسی، یکی از وظایف مهم مجلس خبرگان نظارت بر عملکرد رهبری است. مردمی که برای شرکت در انتخابات دوره جدید دعوت می‌شوند، باید بدانند که نمایندگان دوره فعلی چه اقداماتی در این مورد کرده‌اند، با چه مکانیسمی این نظارت را اعمال نموده‌اند و نقش ایشان تا چه حد مؤثر بوده است.

مردم از جمله می‌خواهند بدانند نماینده‌ای که صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری را با تفأل تلفنی و استعلام از کودکی خردسال تشخیص می‌دهد و برد و باخت در میدانهای ورزشی را نتیجه مستقیم خواندن یا نخواندن نماز و زیارت عاشورا و... از سوی مریبان مربوط می‌داند، با چه معیاری در این مورد عمل کرده است.

۳- در اصل ۹۹ قانون اساسی که ناظر بر عملکرد شورای نگهبان است، عنوان نظارت استصوابی دیده نمی‌شود. این حربه که اهرمی برای کنار گذاشتن افراد و گروههای مستقل، ابقای وابستگان به جناح تمامت‌خواه و انکار حقوق ملت در انتخاب کارشناسان مستقل و آگاه به مسائل اجتماعی، اقتصادی، علمی و سیاسی بیرون از دایره روحانیت است، بزرگترین مانع برای مشارکت مردم و موجب دلسردی آنان نسبت به شرکت در انتخابات می‌باشد.

چگونه است که ملتی که بارها توسط متولیان مفتخر به دریافت عناوینی مانند شریف، رشید، آگاه،

شهیدپرور، همیشه در صحنه، سیاست‌شناس و... گشته، در این گونه موارد نیازمند قیام و سرپرست می‌شود؟ مگر مردم در طول تاریخ تشیع، مجتهد مورد وثوق و مرجع تقلید خود را با نظارت استصوابی و تشخیص شورای نگهبان انتخاب کرده‌اند که امروز با وجود آگاهیهای اجتماعی و سیاسی باید اینگونه انتخاب عمل کنند؟

علاوه بر آن، مگر صاحبان صلاحیت برای تشخیص رهبری، در این کشور بزرگ، فقط در میان فقها قرار دارند و مگر رهبری فقط در قلمرو فقه و اصول اظهارنظر می‌نماید که دست رد به سینه همه کارشناسان، استادان دانشگاهها، اندیشمندان و سیاستمداران مستقل زده می‌شود؟

۴- این روزها نشانه‌هایی از ائتلاف و بده‌بستانهای سیاسی در میان گروههای درون حاکمیت دیده می‌شود که نشان می‌دهد جناح تمامت‌خواه برای خنثی کردن فشار افکار عمومی، می‌خواهد با واگذاری سهمیه به رقیبان، خود را از تنگنا خارج سازد و با دادن امتیاز، در نهایت برنده بازی قدرت باشد. در این میان، ملت است که قربانی می‌شود و حقوق ملت است که بازیچه دست فرصت‌طلبان قدرت‌مدار قرار می‌گیرد. بنابراین، هشیاری ملت برای شناسایی بازیگران سیاسی و مراقبت از حقوق قانونی خود در این جریان بسیار ضروری است.

۵- این سخن که مردم از مجلس خبرگان انتظار حل مشکل نان و آب خود را ندارند، سخن حقی است که از آن اراده باطل می‌شود. یکی از راه‌های اساسی گشودن گره‌های پیچیده اقتصادی کشور، تمرکز کلیه فعالیت‌های اقتصادی در دست قوه مجریه و انتقال امکانات عظیم مالی بنیادها و نهادهای موازی- که در اختیار جناح تمامت‌خواه قرار دارد- به دولت می‌باشد.

نهضت آزادی ایران امیدوار است که حاکمیت کنونی، در آزمون انتخابات مجلس خبرگان رهبری، با تمکین به حقوق ملت، تصحیح شیوه‌های گذشته و برداشتن هر نوع مانع از سر راه مشارکت گسترده مردم در انتخابات به وظیفه خطیر خود عمل کرده، سربلندی خود و سعادت و سرفرازی ملت را تأمین نماید.

**نهضت آزادی ایران**